مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران
سال بیستم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴، صفحات ۱۲۰-۱۱۹

سخن سردبیر: بازگشت به رسالت اصلی پژوهش در علوم تغذیه؛ ضرورت کاربردی‌سازی مطالعات و بازنگری در نظام ارزشیابی علمی

دکتر تیرنگ نیستانی

در سال‌های اخیر، شاهد تحولی نگران‌کننده در رویکرد بسیاری از پژوهشگران و اعضای هیات علمی مراکز پژوهشی خاصّه در رشتهٔ تغذیه بوده‌ایم؛ فاصله گرفتن از هدف غایی پژوهش که همانا حل مشکلات واقعی جامعه و ارتقای سلامت انسان‌هاست و جایگزینی آن با هدفی کم‌مایه، یعنی صرفاً انباشت امتیازات دانشگاهی که به معضلی نظام‌مند تبدیل شده است. شوربختانه در بسیاری از مراکز علمی، «تولید مقاله» به خودیِ خود به یک ارزش مطلق بدل گشته و پیوند آن با نیازهای عملی جامعه، کم‌رنگ و حتّا گسسته شده است.

یکی از مصادیق بارز این انحراف، روی آوردن شتاب‌زده و بی‌رویهٔ برخی از پژوهشگران به نگارش مقالات مروری و متاآنالیز بدون برخورداری از پیشینهٔ پژوهش‌های اصیل و ژرف در آن حوزه است. غافل از آن که یک مقالهٔ مروریِ ارزشمند و تأثیرگذار، نه یک کار مستقلِ بی‌ریشه، که فرآوردهٔ سال‌ها پژوهش اصیل، تجربهٔ زیستِ پویا در آن زمینه، و توانایی تفسیر عالمانه و نقادانهٔ یافته‌های خود و دیگران است. بدون این پشتوانه، مقالهٔ مروری به ساده‌سازی‌های نادرست، گزینش‌گری مغرضانه، و در نهایت تولید دانشی سطحی و گاه گمراه‌کننده می‌انجامد (۱). با توسعهٔ هوش مصنوعی (artificial intelligence (AI، شوربختانه گاه نویسندگان دیگر حتّا زحمت گردآوری و نگارش مقاله را هم به خود نمی‌دهند و به کمک AI به تولید انبوه مقالات با هدف کسب امتیاز برای ارتقاء می‌پردازند. به باور من این رویه، پی‌آمدهای مخربی برای جامعه تغذیه ایران داشته و خواهد داشت:

- نداشتن «خط فکری» مشخص، و بدتر از آن، نداشتن احساس نیاز به داشتن خط فکری، نویسندگان تنها موضوعات بی‌ربط را یکی پس از دیگری صرفاً برای چاپ مقاله (آن هم با راهنمایی AI) برمی‌گزینند.
- تضعیف و گاه نبود توان پژوهشگری اصیل، میدانی و حل‌مساله
- تبدیل مطالعات مروری از «ابزاری در خدمت یک برنامه پژوهشی متمرکز» به «هدف نهایی» و «تخصصِ بدون پژوهش»
- حاصل کار، حجم انبوهی از مقالاتی است که نه به سیاست‌گذاری تغذیه‌ای یاری می‌رسانند و نه راهکار عملی برای کمبود ریزمغذی‌ها، چاقی، امنیت غذایی یا اصلاح الگوی مصرف ارائه می‌دهند.

اصلاح این رویهٔ نادرست مستلزم دست‌کم دو راهبرد کلیدی است. نخست، بازنگری بنیادین در نظام امتیازدهی به پژوهشگران و اعضای هیات علمی چه، ملاک‌های صرفاً کمّی مانند «تعداد مقالات» بدون توجه به ارتباط و تأثیر اجتماعی پژوهش، انحرافات یادشده را تشدید می‌کند. پیشنهاد می‌شود نهادهای ارزشیاب، ضمن توجه به برخی شاخص‌های کمّی، وزن قابل‌توجهی به «تأثیر عملی پژوهش» practical impact ، «تکرارپذیری»، «ارتباط با اولویت‌های ملّی سلامت»، و «ارائه راهکارهای اجرایی» اختصاص دهند (۲). تجربهٔ کشورهایی مانند انگلستان با نظام «چهارچوب تعالی پژوهش» Research Excellence Framework (REF) که ۲۵ درصد امتیاز را به «تأثیر اجتماعی و اقتصادی پژوهش» اختصاص می‌دهد، می‌تواند تاحدودی الهام‌بخش باشد (۳).

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-09-09]

دوم، تعریف برنامه‌های پژوهشی هدفمند در سطح مؤسسات و مراکز تحقیقاتی به جای تشویق هرج‌ومرج موضوعی. بدین منظور لازم است هر مرکز، نقشهٔ راهی روشن مبتنی بر نیازهای تغذیه‌ای ایران (مانند مقابله با سوءتغذیه دوگانه، بهبود امنیت غذایی، مبارزه با بیماری‌های غیرواگیر، و بررسی اثرات تحریم بر الگوی مصرف) تدوین کند. آنگاه پژوهشگران تشویق شوند تا در راستای همان برنامه‌ها و گزینش یکی دو خط فکری برمبنای علایق و توانمندی‌های خود، ابتدا پژوهش‌های اصیل و سپس مرورهای لازم را انجام دهند. بدین ترتیب، مطالعهٔ مروری به عنوان «گامی درون یک برنامهٔ درازمدت» معنا می‌یابد، نه «جایگزینی برای کار اصیل».

رسالت یک مجلهٔ علمیِ متعهد، فراهم آوردن بستری برای نشر یافته‌های معتبر و کاربردی است. همیشه بر این باور بوده و هستم که میان رشتهٔ تغذیه و بسیاری از دیگر رشته‌های علوم زیستی دست‌کم یک تفاوت عمده وجود دارد؛ بخش اعظم پژوهش در رشته‌هایی چون بیوشیمی، فیزیولوژی یا جانورشناسی ممکن است صرفاً با هدف گسترش پهنهٔ دانش انجام پذیرد. پژوهش در رشتهٔ تغذیه امّا، آن گونه که خاستگاه و پیشینهٔ آن نیز نشان می‌دهد (۷-۴)، همواره با محوریت کاستن از مشکلات بهداشتی جامعهٔ انسانی و ارتقاء سلامت بوده است. بد نیست هر چند گاه از خود بپرسیم فارغ از رتبه‌ها، امتیازها و عنوان‌هایی که در طول عمر کاری خود کسب کرده‌ایم (که البته همگی موجب سرفرازی‌ست) واقعاً چقدر در بهبود وضع تغذیه و ارتقاء سلامت جامعه کارآمد بوده‌ایم؟ آیا توانسته‌ایم به یک مشکل تغذیه‌ای در راستای بهبود دست‌کم تلنگری بزنیم؟ اساساً آیا چنین آرمانی داشته و داریم و برای آن کوشیده‌ایم؟ بر این باورم که این پرسش و پاسخی که بدان می‌دهیم می‌تواند (و امیدوارم بتواند) نقش تعیین‌کننده‌ای در مسیر حرفه‌ای ما به عنوان پژوهشگران حوزهٔ تغذیه و علوم غذایی داشته باشد. چه، به گفتهٔ ابَرمرد جهان دانش لویی پاستور:

«صرف‌نظر از هر پاداشی که زندگی به تلاش‌هایمان بدهد یا ندهد، آنگاه که لحظه مرگ فرا می‌رسد هر کدام از ما باید این حق را داشته باشیم که با صدای بلند بگوییم: **من آنچه را که در توان داشته‌ام، انجام داده‌ام**».

• References

1. Manu P. Ioannidis'"The Mass Production of Redundant, Misleading, and Conflicted Systematic Reviews and Meta-Analyses" 10 Years Later: An Update and Real-World Experience. LWW; 2025. p. e500-e4.
2. Moher D, Naudet F, Cristea IA, Miedema F, Ioannidis JP, Goodman SN. Assessing scientists for hiring, promotion, and tenure. PLoS biology. 2018;16(3):e2004089.
3. Torrance H. The research excellence framework in the United Kingdom: Processes, consequences, and incentives to engage. Qualitative Inquiry. 2020;26(7):771-9.
4. Carpenter KJ. A short history of nutritional science: Part 1 (1785–1885). The Journal of nutrition. 2003;133(3):638-45.
5. Carpenter KJ. A short history of nutritional science: part 2 (1885–1912). The Journal of Nutrition. 2003;133(4):975-84.
6. Carpenter KJ. A short history of nutritional science: part 3 (1912–1944). The Journal of nutrition. 2003;133(10):3023-32.
7. Carpenter KJ. A short history of nutritional science: part 4 (1945–1985). The Journal of nutrition. 2003;133(11):3331-42.

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-09-09]